

چند نکته درباره همزیستی سینمای ایران و سینمای دفاع مقدس

دفاع مقدس





کا سینما مقدس!

دو بخش مبتدل و جشنواره‌ای تقسیم می‌شود. بخش مبتدل یعنی «شور عشق» و «بچه‌های بد» و «یمیه پنهان» و «آب و آتش» و «شکران». بخش جشنواره‌ای هم یعنی «روزی که زن شدم» و «سفر فندهار» و «تخته سیاه» و «زمانی برای مستی اسب‌ها» و «جمعه». بخش مبتدل که مبتدل است و باید نباشد و بخش جشنواره‌ای هم هنری و بی درد و صادرانی است. می‌ماند آن بخش از این سینما که به ارزش‌های دفاع مقدس می‌پردازد و هر وقت این نوع فیلم‌سازی را کند شود، حاکمیت آن انواع دیگر امری نظریه‌های نوین در باب سینمای ایران و همچنین فرارسیدن هفته دفاع مقدس، به گمانی لازم است یک بازنگری جدی درباره وضعیت کنونی سینمای دفاع مقدس و نسبتش با مجموعه سینمای ایران انجام دهیم و چند نکته اساسی را که نمی‌دانم چرا در سخن دیگران طرح نشده و نمی‌شود صراحتاً بیان کنیم:

۱. بدیهی است و حتماً همین طور است که ژانر سینمای جنگی در سال‌های پس از انقلاب اگر نه بهترین‌ها، که لاقل بسیاری از فیلم‌های خوب و مؤثر تاریخ سینمای ایران را به تماساگران عرض کرده و حالا هر آدم منصفی ناچار است در لیست ده فیلم بتوان تاریخ سینمای ایران چند فیلم جنگی قرار دهد. در واقع باید تأکید کرد که این ژانر تنها گونه سینمای پس از انقلاب است که حساب و کتاب دارد و دارای هویت است و درباره فضا و آدم‌های دلتیش داستان‌های خوب تعریف می‌کند و بر تماساگر تأثیر می‌گذارد. تعداد فیلم‌های خوبیش هم حالا چشمگیر شده‌اند: «مهاجر» («دیده‌یان»)، «هور در آتش» («لیلی با من است»)، «سفر به چاپه» («از انس شیشه‌ای»)، «باشو غریبه کوچک»، «هیوا» و چند نای دیگر. حتی فیلم‌های متواتر مثل «از کرخه تا راین»، «قله دنیا»، «پرواز در شب» («توبی که نمی‌شناختم») و نظایرشان هم از فیلم‌های قابل انتیاب سالیان اخیر به شمار می‌آیند. این گروه فیلم‌ها و دامنه‌ها و تأثیرات و شرایط ساخته‌شده‌شان یکی از موضوعات مهم در تحلیل تاریخ سینمایی پس از انقلاب است.

۲. اما پس از «سینمای دفاع مقدس» می‌رسیم به «دستاندرکاران سینمای دفاع مقدس». راستش این که این دوستان سال‌هاست تلاش می‌کنند ما را مقاعد کنند «سینمای دفاع مقدس» عین «دفاع مقدس» است و دستاندرکاران این سینمایی هم عین «رزمنده‌ها» هستند و هر کدامشان یک شهید زنده محسوب می‌شوند و عرصه فیلم‌سازی دفاع مقدس هم عیناً عرصه شهادت و دلاوری و جانبازی است! این حرف‌ها آنقدر تکرار شده یا به اشکال گوناگون صورت بدیهیات به خود گرفته که شاید الان شما هم پس از خواندن این عبارات به

این روزها متناول شده که سینمای ایران در هر موقعیتی و به هر بیانه‌ای مورد تعریض و حمله و هتاکی قرار بگیرد. برخوردار بودن از لوازم و شرایط ورود به بحث، برای معتبرین محلی از اعراب ندارد، گروه‌بندی‌های اجتماعی و صنفی و دسته‌بندی‌های سیاسی و غیرسیاسی هم همین طور. یعنی به عبارت دیگر هر کسی با هر شغلی و رتبه‌ای و با هر خاستگاهی و با هر اندازه دانش و سواد راجع به سینما و با هر سابقه و پیشینه‌ای خودش را لایق می‌پناردد که درباره سینمای ایران چند کلمه‌ای اظهار فعل کند و تأکید کند که این سینما وضع خوبی ندارد و باید فکری به حالت کرد و چه بد است که این طور است و کاش جور دیگری بود.

اینها را نگفتم که بعدش خودم را به عنوان تنها حامی سینمای مظلوم ایران معرفی کنم و حرف‌هایی در نمی اظهارات این جماعت عربیش و طویل پشت هم ردیف کنم. نخیر! بند هم از سینمای ایران دل خوش ندارم و اگر در موقعیت کنونی سردد دلم باز شود ممکن است از سوی همین‌ها خوشنام بشنوم و «خودی» محسوب شوم. اما می‌خواهم با اطمینان کامل خدمتان عرض کنم که از هر ده نفری که در حال حاضر به سینمای ایران بد و بیراه می‌گویند و مدام غولول می‌کنند، هشت نفرشان اصلاً سینما را دوست ندارند و دغدغه‌شان بیهود اوضاع سینما و این نوع مقولات نیست. بله، درست حدس زداید، منظورم صراحتاً این است که دعوا سرلحف ملاست و کسی داش برای سینما نمی‌سوزد.

این گروه معتبرض را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: بخش مهمی از اینها نادانند و سینما پیشکش، آن قادر بر بدیهیات عرصه فرهنگ و هنر اشراف ندارند که خودشان بدانند معنای حرف‌هایشان چیست و چگونه می‌توان از اظهار نظرهایشان طرفی بربست. بخش دیگر شان هم به طور واضحی کیسه دوخته‌اند و سنگ خودشان را به سینه می‌زنند و غرغر می‌کنند تا امکانات و امتیازات از دست رفته‌شان را به دست بیاورند. نقطه اشتراک هر دو گروه این است که مسئله‌شان خودشان است و نه سینما.

در یک سرشماری ساده درمی‌یابیم بخش اصلی معتبرضین کنونی را دست‌اندرکاران سینمای جنگ تشکیل می‌دهند. یعنی افادی که به طور سبیل یانسی به مجموعه فیلم‌سازی سینمای دفاع مقدس تعلق دارند بیش از دیگران و شدیدتر از دیگران به سینمای فعلی حمله‌ور شده‌اند. حرف اصلی و مشترکشان هم این است که در سینمای فعلی «ایتدال» حاکم شده و «ارزش» مفقود شده. معیارشان هم برای بروز و ظهور «ارزش» عرصه سینمای دفاع مقدس است و بنا بر این راه حل مشکلات سینمای ایران و شرط خاموش شدن اعتراض‌ها و زدوده شدن ایتدال را رونق مجدد سینمای دفاع مقدس عنوان می‌کنند. در واقع موضوع از نظر اینها ساده است: سینمای ایران اساساً به

زاغه سینمایی
جنگی شر
سازل‌های پس از
انقلاب اگر نه
نه تبرین‌ها، که
لائق بسیاری از
فیلم‌های خوب و
موثر تاریخ
سینمایی ایران را
به تماشاگران
کوشیده
حالا هر آدم
همه‌شی تا جار
آنست و لیست
۵۰ فیلم بزرگ
تاریخ سینمایی
ایران چند فیلم
جنگی قرار دهد.

نویسنده و کارگردان سینما محسوب می‌شود و بس. هیچ دلیلی وجود ندارد که ایشان مثل کسانی که پس از فعالیت نظامی در ججه رتبه و درجه دریافت کرده‌اند درجه بردوش نصب کند و با نظامی‌ها همایوری کنند. نه فقط رتبه نظامی، که ایشان حق طلب کردن هیچ نوع امتیازی را از هیچ سازمان و مجموعه‌ای ندارد. من ابراهیم حاتمی کیا را نوشت دارم، فیلم‌هایش را درست دارم، برایش کتاب دراوردهام و اگر مسؤولی، ذیری، سرپرستی بودم تشهیلانی در اختیارش قرار می‌دادم و به خاطر فیلم‌های خوبی که ساخته مقری ماهیانه برایش تعیین می‌کردم! اما او خودش حق ندارد طلبکار باشد. او فیلم‌ساز است؛ اگر فیلم خوب ساخته تحسیش را دیده و شنیده و اگر فیلم بدساخته شمات شده. اگر اجر و دستمزدی روای اینها می‌خواهد از خلاطه کند که ما هم بنده اویم. ولی تقاضاهای دیگر کش همان قدر عجیب است که مصطفی عقاد به خاطر کارگردانی فیلم «محمد رسول الله» از جامعه مسلمین تقاضا کند رهبری یکی از کشورهای اسلامی را به او واگذار کنند و پس از آن که با مخالفت مواجه شد مرتب غروالند کند که حق مرآ خوردن و قدر مرآ نداشتند!

۳. سینمای دفاع مقدس در دوران کوتولی نیازی به حمایت ندارد. احتمالاً معمکوس این حرف هم انقدر تکرار شده و بدیهی انگاشته شده که اکنون از شنیدن این نظر منعچب شده‌اید. اما بیاید منصفانه راجع به این موضوع فکر کنیم: واقعاً چه دلیلی وجود دارد که دولت از سینمای دفاع مقدس حمایت ویژه به عمل آورد؟ آیا در دوران جنگ به سر می‌بریم که نیاز به صرف هزینه برای تبلیغات جنگی داشته باشیم؟ آیا ضرورتی دارد احساسات حماسی مردم را برای انجام امری منتصص تحریک کنیم؟ چه ضرورتی برای صرف مثلاً یک میلیارد تومان در سال به منظور پشتیبانی از ساخت فیلم‌های جنگی وجود دارد؟ اصلاً چه ضرورتی وجود دارد که سینمای دفاع مقدس را تا این حد از بدن سینمای ایران جدا کنیم و در فضای گلخانه‌ای پرورش دهیم؟ اخیراً یکی از همین آقایان معتبر در یک برنامه تلویزیونی مدعی شد که لازم است از شخص فیلمی که در سال تولید می‌شود بیست تایش جنگی باشد و باید آن فدر این جریان را پرورش داد و مورد حمایت قرار داد تا از میان این فیلمها چند فیلم ممتاز جنگی بیرون بیاید! من فقط زمانی می‌توانم منای این حرف را بفهمم که به این صورت ترجمه‌اش کنم: لازم است که گروهی ادم کم استعداد و کم هوش و بی‌مایه وجود داشته‌اند که تصادفاً گذارشان به سینمای دفاع مقدس افتاده و سویسیدهای دولتی را تلف کرده‌اند و فیلم‌های بدی ساخته‌اند و نه تهک کسی گوششان را نیچاند، بلکه به عنوان مدیرکل و معاون و مشاور هم چند سال دیگر بیت‌المال را تلف کرده‌اند و حالا بیکارند، بند مجدد از دولت محترم تقاضا می‌کنم این دور باطل را چند سال دیگر هم ادامه دهد تا مابه نان و نوابی برسمیم و حوصله‌مان از بیکاری سر نزود.

گفتنی که سینمای دفع مقدس نیازی به حمایت ویژه ندارد. این حرف به آن معنا نیست که هر نوع حمایتی از سینمای دفاع مقدس متوقف شود. اولاً شرایط و تمهیلاتی که در مورد تولید دیگر انواع فیلم وجود دارد باید در خدمت فیلم‌های جنگی هم قرار گیرد. اما بدیهی است که اگر کسی باید و یک فیلم‌نامه غیر کلیشه‌ای متفاوت جذاب مؤثر و درست درباره بخشی از حوادث جنگ که ناگفته مانده به مسئولین ارائه کند، باید



این فکر فرو رفته باشید که خب مگر جز این است؟! پاسخ بنده این است که بله، جز این است! دست‌اندر کاران این نوع فیلمسازی فقط دست‌اندر کاران این نوع فیلمسازی محسوب می‌شوند و هیچ امتیازی بر دیگران ندارند. کسی که به عنوان کارگردان، نویسنده، بازیگر، طراح صحنه یا هر چیز دیگر وارد این عرصه می‌شود باید بداند که خطر کرده است. اگر کارش را درست انجام دهد و خرابکار نکند، از این خطر جان به در برده و خوش به خواش به خواش، و اگر اشتباه کند و فیلم بدی سازد باید توان بدهد و مجازات شود؛ چرا که بدون پشتونه و داشن کافی وارد یک عرصه حساس شده و موضوعی مقدس را به این خطر کشانده است.

نتیجه و عایدی کاریک سینماگر دفاع مقدس هر چه باشد موجب برتری و بلندی جایگاهش در میان اجتماع و صنوف همترازش نمی‌شود. به عبارت دیگر یک سینماگر دفاع مقدس هیچ دلیل موجهی برای برتری طلبی و مدعی بودن و طلبکاری از مردم یا همکارانش ندارد. شاید فیلمی که او ساخته مرا تحت تأثیر قرار دهد و بارها بینم و بگریم و برایش از خداوند عاقیبه‌خیری طلب کنم. اما قرار نیست او خودش یقه تک‌تک مردم را بچسبید و چنین چیزی را طلب کند. او یک فیلمساز است و بس از نظر حقوق اجتماعی با دیگران برابر است و اصلًاً این طور نیست که در مقایسه با یک فیلمساز ملودرام جایگاه رفیع تری را به خود اختصاص داده باشد. متأسفانه این بدیهیات در فضای کوتولی نادیده انگاشته شده و برخی از این دولستان که چند ماه مداری یک بخش مرتبط با سینمای دفاع مقدس بوده‌اند یا طراحی صحنه یک فیلم جنگی را ترجیم داده‌اند یا در یک سریال تلویزیونی جنگی نقش فرعی بازی کرده‌اند چوی ژست می‌گیرند و درباره حاکمت این‌حال و از دست رفتن ارزش‌ها داد سخن سر می‌دهند که ادم هاج و واج می‌ماند و درمانده می‌شود. حتی آقای ابراهیم حاتمی کیا که بهترین فیلم‌های جنگی ما را ساخته و مؤثرترین برای طلبکار بودن از ما ندارد. ایشان در آن جلسه کذاکی سینما استقلال (درباره ماجراهای فیلم موج مرده) به راحتی خودش را ایق دریافت در درجهات نظامی داشت و مدعی بود باید در ازای خدمتی که کرده درجه سرهنگی یا تیمساری دریافت می‌کرده تا اموروز بتواند با سرهنگ و تیمساری که حق او را صایع کرده‌اند از موضع برایر برخورد کند. این حرف بهشت حرف عجیبی است و عجیب‌تر آن که در فضای سانچی مانتال آن روز سینما استقلال، همه او را بحق پنداشتند. حال آن که آقای حاتمی کیا با همه اعتباری که در سینمای دفاع مقدس دارد صرف‌ایک

برداختن به
بسیار کوتاه‌ترین
سیاستی و نایاب
حقیقتی و جاریه همیشی
نمایند

همایه‌هایی از قبیل تخصیص تجهیزات جنگی لازم و فراهم اوردن وسایل و لوازم کافی برای اجرای بروزه در اختیارش قرار داده شود و اگر فلم را خوب ساخت و مؤثر از کار درآورد شرایط اکران مناسب و نسبتیات کافی به فیلمش اختصاص داده شود. یا هر نوع حمایت دیگر از این نوع، که بسته به شرایط، مناسب تشخیص داده شود.

اما مشکل آن جاست که منظور این دوستان از «حایات» این است که دولت (از طریق وزارت ارشاد یا حوزه هنری یا فارابی یا هر مؤسسه دیگر) سالی ۲۰ میلیارد تومان برای تولید ۲۰ فیلم جنگی هزینه کند و به همه این دوستان «خودی» که معقدند یک آب شسته تر از دیگراند اعتماد کند تا این پولها را به زمین گرم بزنند و تعدادی فیلم بنحال تولید کنند که سر هر کدامشان هم مدعی اند و انتظار دارند در جشنواره ها سکه باران شوندا خوب، این استراتژی، یک عمل احمقانه است و من دعا می کنم مدیران فعلی و آینده اشتباه مدیران قلی را در این مورد مرتكب نشوند و راه رفته را دوباره نبیاماند.



۴- می‌گویند سینمای جنگ مخاطب ندارد و در این مورد ظهار نظرهای گوناگونی ابراز می‌دارند. البته برخی از همین دوستانت منکر اصل موضوع می‌شوند و می‌گویند پروفروش ترین فیلمهای بسیاری از سالهای گذشته فیلمهای جنگی بوده‌اند! اما واقعیت همان است که فیلمهای جنگی مخاطب کمی دارند. چرا؟ یکی از آقایان اخیراً حرف غریبی زد؛ گفت که یک توطئه جهانی در ضعیف کردن سینمای دفاع مقدس شکل گرفته و این توطئه از یک سو مدیران سینمایی را وادار به تعییف این سینما کرده و از سوی دیگر مانع استقبال جوانان از فیلمهای دفاع مقدس می‌شود! واقعاً تصور عجیبی است که ادم متقاعد شود یکی مثل سیف الله داد در گیرودار این توطئه جهانی از یک سو فیلمی مثل «بازمانده» بسازد که در تبلیغ دین، مارزه با چهوبنیسم، خداجویی و هر مفهوم متعالی مشابه یک نمونه خوب و مؤثر محسوب شود و از سوی دیگر، به عنوان مدیر سینما مانع ساخت فیلمهای از آن دست شده!

دلیل کم مخاطب بودن فیلمهای جنگی خیلی ساده‌تر از
ین حرفاست: این فیلمها خوب ساخته نمی‌شوند و در بسیاری
ز نمونه‌های متأخر، سطحی، کلیشه‌ای، تکراری، سرهبندی
شده و از همه مهمتر تصصنی اند. همین! بار در خانه و ما گرد
جهان من گردیم!

سینمای ایران، خارج از
مساری سینمایی
سینمای ایران بکسر
و پیکور انحرافی
اسناد سینمایی دفاع
ملکس سخشن از
سینمای ایران
اسناد اگر در
سینمای ایران
نهایت امروزش
شاریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
شاریم. اگر در
سینمای ایران
نهایت شیوه‌نمای
شاریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
شاریم. اگر در
سینمای ایران فیلم
بد و بی سرونه
شاریم، در سینمای
دفاع مقدس هم
شاریم.

حسابی درباره بخشی از حوادث و آدمهای جنگ که کمتر شناخته شده‌اند با رعایت همه قواعد و اصول درست فیلمسازی ساخته شود و قدرت تأثیرگذاری بر نماشگر را داشته باشد. همین جوانان برای تماس‌پردازی سرویس است می‌شونند.

۵- پرداختن به مسائل گوناگون سینمای دفاع مقدس
چاره‌جویی برای حل مشکلاتش، فارغ از مسائل عمومی سینمای ایران یک رویکرد انحرافی است. سینمای دفاع مقدس بخشی از سینمای ایران است. اگر در سینمای ایران ضعف امزش داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم. اگر در سینمای ایران ضعف فیلم‌نامه داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم. اگر در سینمای ایران فیلم بد و بی‌سروطه داریم، در سینمای دفاع مقدس هم داریم. حتی اگر در سینمای ایران ابتلای رخنه کرده، در سینمای دفاع مقدس هم مشهود است. این مزبندی‌ها و خط‌کشی‌ها هم در اغلب موارد با قصد و غرض انجام می‌شود.
همچنین در این مقاله می‌توانیم در مورد تأثیرات این مقاله بر سینمای ایران صحبت کنیم. همین طور دست‌آورده کاران هر یک را! هیچ کدام از سینماگران، دفاع مقدس حق ندارند این عرصه را را خاک آباء و اجدادی شان فرض کنند. هر کدام از دیگر سینماگران که علاقمند به تجربه در این عرصه باشد باید با طیب خاطر وارد گود شود نه با ترس و لرز از حسد و توطئه‌چینی و کارشکنی قدریست. ترا ها.

۶- آقایان: اگر از این همه هیاهو و قیل و قال واقعاً قصد خبر دارید و جداً علاقه‌مندید فیلم جنگی خوب ساخته شود، ساکت شوید، فریاد نکشید، آرام بنشینید و کار کنید. اگر مرد می‌دانید کار کنید و کار خوب عرضه کنید. کار خوب کاری است که با نظر مساعد عمومی همراه باشد نه این که خودتان و دوستانتان بهبه و چه چه کنید و ما را عامل استکبار جهانی نیامند.

ضمناً قدری به پشت سرنا نگاه کنید؛ در طول تاریخ سینما، همه کشورهایی در گیر جنگ در طی روزهای وقوع جنگ به سرعت مشغول ساختن فیلمهای تبلیغاتی و حماسی و مهیج بوده‌اند، در سالهای پس از جنگ به ساختن فیلمهایی در نمایش آثار جنگ و نوعاب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی اش روی آورده‌اند، و چند سال که گذشته تعداد تولیدات فیلمهای جنگی شان کاهش یافته و هر چند سال یکبار یک فیلم جنگی خوب و درست با اجرای تمیز و معقول و مؤثر عرضه کرده‌اند. چرا اصرار دارید این روند را معکوس کنید و در این روزها که نیازی به تولید ائمه و شتابزدگی در این عرصه وجود ندارد، با جوگزاری و عوام فربینی، مخاطبین این نوع سینما را بیش از پیش دلسرد کنید و فیلمهایی تولید کنید که مردم را از انواع فیلمهای جنگی (جه خوب و چه بد) فراری دهد؟ بعتر نیست یافته گوشه‌های ناگفته حوات جنگ و شخصیت‌های نمایش داده نشده باشید و سعی کنید قالبهای جدیدی را از نمایش دانستنهای آن دوران را با شیوه‌های متفاوتی تعریف کنید؟ اگر هر ده سال یک بار هم بانی تولید یک فیلم دفاع مقدس خوب و جان دار شوبد خیر دنیا و آخرت شیشتر از این هیاهوی است که به راه انداده اید.